

آرمان شهر سعدی

و آرمان‌هایی رو می‌کند که در ما و گذشته‌ی انسانی مارنگ عینی به خود گرفته‌اند و این ایده به منزله‌ی کمالی جلوه می‌کند که در آفرینش مردمان ملل یا دولت‌ها چهره نشان می‌دهد. در واقع متفکر اوتوپیا به هرآن‌چه ایمانش را به دگرگون ساختن امور متزلزل کند، یا شور تغییر را در او فرونشاند پشت می‌کند. (ایدئولوژی و اتوپیا)

پیشینه‌ی «تفکر اوتوپیا» در کتب قوانین و جمهوریت افلاطون قابل بررسی است. وی، که به عنوان پایه‌گذار فن قانون‌گذاری شناخته شده، کتاب قوانین خود را برای تطبیق عملی اعلام [نمود] و آرزوهای سیاسی خود در مقابله با ضعف بشری تألیف کرد اما چون آرزوهای او جامه‌ی عمل نپوشید و یأس سیاسی بر وی غلبه نمود کتاب جمهوریت را نگاشت، مکتوبی که او را از عالم واقعیت به جهان خواب و خیال برد. (تاریخ تمدن در اسلام)

در واقع دولت ایده‌آل افلاطون ترویج نظام برده‌داری و آریستوکراسی بود. این‌گونه تفکر غیرعمل‌گرایانه در کتاب «آرمان‌شهر» توماس مور و کتاب «شهر خدا» ی‌سن آگوستین نیز قابل بررسی است و اما با ظهور اسلام به پشتوانه‌ی تفکر ایجاد «مدینه‌ی فاضله» مبتنی بر کاراکتریک آدم اسمایی برمی‌خوریم که براساس دو اصل «اندیشه» و «دل» بر کل مخلوقات شرافت یافته است. در چنین جامعه‌ای، یک انسان دو بُعدی به چنان کمالی دست می‌یابد که می‌تواند خداگونه شود. در واقع رمز بین

«اوتوپیاها چیزی جز حقیقت زودرس نیستند» لامارتین

در فرآیند تاریخ، انسان همواره به موضوعاتی که از حد و مرز هستی‌اش فراتر می‌رود بیش‌تر دل‌مشغول بوده است تا به موضوعات نهفته‌ی درون هستی‌اش. آرمان‌گرایی و داشتن جامعه‌ای آرمانی (Utopia) از اساسی‌ترین مشغله‌های ذهنی انسان‌های کمال‌طلب بوده است. در یک معنای عام اوتوپیا نیسم، گرایش به بنای سرزمین، جامعه و یا طرح اندیشه‌ای دارد تا بتواند بر سیاهی‌های زندگی واقعی فائق آید. (دایرة‌المعارف علوم اجتماعی)

در برخی از دوره‌های تاریخی سوادهای آدمی و ارضای آرزو از راه فرافکنی (Projection) در زمان و گاه فرافکنی در مکان (Spatial wishes) صورت می‌پذیرد. فرافکنی زمانی را هزاره‌های شکوهمند (chiliasm) و آرزوهای مکانی را اوتوپیا می‌نامند. اوتوپیا نیسم با طرح اندیشه‌ی آرمان‌شهر از سویی در برابر واقع‌گرایان و از سویی در برابر ماکیاولیست‌ها قرار می‌گیرد. زیرا شخص آرمان‌گرا نمی‌خواهد مانند افراد واقع‌گرا با واقعیت و هستی موجود، که برخلاف ایده‌های اوست، کنار بیاید و از طرفی هم مانند ماکیاولیست‌ها در صدد دستکاری واقعیت به نفع خویش با تشبث به حيله بر نمی‌آید. اوتوپیا نیسم برای دریافت ناسازگاری میان ایده و واقعیت جاری به نیروهای ذهنی متکی نیست بلکه به ایده‌ها

چکیده

این مقاله، جستاری در آرای اندیشمندان آرمانگراست و تأملی در زمینه‌ی تفکرات جهانی استاد سخن، سعدی و برآیند دید رنالیستی وی به جهان و انسانیت است.

کلیدواژه‌ها

سعدی، اوتوپیا، پراگماتیسم، آرمان‌شهر

مهر السادات موسوی





و بند مکان و زمان است و نوع خاص
تفکری که اتویبا و آرمان جهانی وی را تبیین
می‌کند. هم‌بستگی انسان در کل بشریت
است که راه رسیدن به آن را اصلاح فردی
می‌داند. بازتاب اعتقاد به انسان‌گرایی
پویای سعدی در آثار نویسندگان بزرگ
فرانسه چون هوگو، آلفرد دوموسه دوپورد
و المور کم و بیش قابل بررسی است. اما
این تأثیر بر «لازار کارنو» که به سعدی عشق
می‌ورزید تا به آن‌جا پیش رفت که لازار
کارنو تحت تأثیر آن‌چه در «سیرت پادشاهان
و اخلاق درویشان» خوانده بود با افکاری
آزادی خواهانه به انقلابیون پیوست و هم به
کوشش او بود که رهبر افراط‌گرایان انقلاب
در ۲۴ ژوئیه ۱۷۹۴ بازداشت و اعدام شد
و لقب «کارنوی کبیر» و طراح پیروزی را به
خود اختصاص داد. لازار کارنو به قصد
بزرگداشت سعدی نام دو پسر خود را
«سعدی» گذارد و نواده‌ی او نیز هم‌نام
سعدی شد. این «سعدی کارنو» همان کسی
است که در سال ۱۸۸۷ به ریاست
جمهوری فرانسه برگزیده شد و او نیز نام
فرزند بزرگ خود را «سعدی» نامیده.
علاوه بر کارنوی کبیر، سعدی کارنو و
مادام رولان از سیاست‌مدارانی بودند که
می‌خواستند سخنان سعدی را در واقعیت
زندگی تحقق بخشند و این البته کاری
صعب بود. (از سعدی تا آراگون)
در آمریکا «هنری دیوید ثورو» شاعر و
نویسنده‌ی بزرگ آمریکایی از عاشقان
سعدی بوده [است] و ضمن

نوعی عمل‌گرایی که با پراگماتیسم غربی
فوق دارد ارائه‌کننده‌ی تفکر انعطافی ایرانی
است و از سویی برخلاف ماکیاولیست‌ها
آرمان انسانی و اخلاقی خود را در جهت
حفظ قدرت‌مداران فدا نمی‌کند و با بیان
مسائل جهانی و همیشگی و از جزء به کل
رفتن، که خصوصیت ادبیات بزرگ و
جهانی است، کل بشریت را در مجموعیت
خود منعکس دارد. (چهار سخن‌گوی وجدان
ایرانی)

بازتاب اتویبای سعدی در جهان

ایمان به اصل عدالت و انسانیت، مُلک
مُشاع جمله‌ی آزادگان و خیراندیشان جهان
است و سعدی افزون بر چنین باوری با فکر
مثبت و چهره‌ی مسالمت‌آمیز و حکمت
معتدل و انصافی جهان‌شمول، دوستدارانی
در غرب و شرق یافت. جدا از هنر
سخن‌پردازی سعدی که برای شرفیاق قابل
درک و تأمل است، آن‌چه غرب را مجذوب
سعدی کرد رهایی اندیشه‌ی سعدی از قید

«ایده‌آلیسم» با «اسلام» از این‌جا [آشکار]
می‌شود که ما ایده‌آل‌مان را در تاریخ اسلام
داشته‌ایم نه این‌که به قول آبرکامو انسان را
به آینده‌ی مبهم حواله دهیم. (قرآن،
جامعه‌شناسی، اتویبا) از این‌رو عالمان
بزرگی در دنیای اسلام بوده‌اند که
کوشیده‌اند تا با ارائه‌ی راهکارهایی
تصویری روشن از مدینه‌ی فاضله و اتویبایی
خود ارائه دهند. چنان‌که فارابی مدینه‌ی
فاضله را به بدن تام‌الاعضایی تشبیه کرده
است و بر طبق نظام افضل، رابطه‌ی انسان
را با جامعه و جامعه و انسان را با نظام
آفرینش تبیین می‌کند و یا شیخ شهاب‌الدین
سهروردی در «عقل سرخ» با بیانی تمثیلی
تئوری چنین جامعه‌ای را پیش‌نهاد می‌کند.
هم‌چنین «اخوان‌الصفاء» در رسایل خود
جامعه‌ی فاضله را جامعه‌ای می‌داند که
مبنای آن اُخوت و صداقت و اتحاد و
همبستگی کامل بین مسلمین است
(اندیشه‌های اهل مدینه‌ی فاضله) و اما شیخ
مصلح‌الدین سعدی از یک سو با تکیه بر



همذات پنداری خود با سعدی، می گوید: من همان «سعدی» هستم که پس از شش قرن بازآمده‌ام و یا سعدی همان «ثورو» است که شش قرن پیش با نام سعدی در جهان زیسته است (سیدو شصت و پنج روز با سعدی)

«امرسون» نویسنده و متفکر قرن نوزدهم می گوید: سعدی به زبان همه‌ی ملل و اقوام عالم سخن می گوید و گفته‌های او به سان هومر، دانته، شکسپیر، سروانتس و مونتینی همیشه تازه و باطراوت است. امرسون کتاب «گلستان» را یکی از اناجیل و کتاب‌های مقدسه‌ی دیناتی جهان می داند و معتقد است که دستوره‌های اخلاقی آن، قوانین عمومی و بین‌المللی است. اما «بوستان» در نظر «بنجامین فرانکلین» مقامی بسیار شامخ دارد، به طوری که وقتی جمله‌ای از آن را در جزء «موعظه‌های جرومی تیلا» روحانی و واعظ مشهور انگلیسی، شنید درباره‌ی آن گفت: این جمله باید قاعده‌تاً یکی از جمله‌های مفقودشده‌ی آسفار تورات باشد. داستانی که سعدی درباره‌ی صبر و قناعت آورده است چنان در افکار مردم قرن هیجدهم مؤثر واقع شده بود که آن را تأویلی آسمانی می پنداشتند و به زحمت باور می کردند که این افکار حکیمانه زاده‌ی اندیشه‌ی دانشمندی ایرانی - اسلامی است که سخنانش از فارسی به لاتین ترجمه شده است. (ذکر جمیل سعدی)

اوتوپیا و آرمان شهر سعدی

۱. اعتقاد و معرفت به خداوندی که مُلکش قدیم است و ذاتش غنی (بوستان سعدی به تصحیح فروغی، ص ۱) سنگ بنای جهان بینی تلفیقی سعدی است. اندیشه‌ی سعدی از یک سو دینامیسم و پویایی فرهنگ ایرانی را ترویج می کند و از دیگر سو اساس آفرینش را همان گونه که

هست باور دارد. وی در کسوت یک حکیم عمل گرا و پراگماتیست معتدل و با اذعان به انسان دوستی متعالی سعادت این جهان و آن جهان را برای آدمی تبیین می کند. (سعدی، به تصحیح انوری)

۲. باری سعدی به رغم تئورسین های ایده آلیست به ساختار هر می جوامع اعتقادی ندارد و به حاکمان رئالیستی، که مُراعی اصول بایسته اند، می اندیشد. پس بر همین اساس محوری ترین اصل را عدالت سردمداران می داند، زیرا معتقد است «ملوک از بهر پاس رعیت اند نه رعیت از بهر طاعت ملوک»، گلستان، ص ۷۳. (تحقیق درباره‌ی سعدی)

۳. نقطه‌ی عطف رعایت رعیت توسط راعی از آن جا سرچشمه می گیرد که سعدی «بنی آدم را اعضای یکدیگر» می داند و آنان را «در آفرینش از یک گوهر» می شمارد. بسط این اندیشه به نفی خویشاوندگرایی (Nepotism) می انجامد. تا آن جا که «ملک زاده‌ی قصیر جثه» را وقتی لایق حکومت می داند که در «روز میدان» هنرمندانه حمله برد و در این صورت تدبیر مملکت را بنشاید. (گلستان، ص ۵۰) در تعامل عدل و عادل است که عدالت به متن جامعه رسوخ می کند. چنان که در جدال سعدی با مدعی روش استدلال سقراطی را برمی گزیند و راه اعتدال را در قضاوت پیشه می کند.

۴. تأسی به فضیلت تعادل، راه را بر چاپلوسان فرصت جو می بندد و به آنان نهیب می زند:

چه حاجت که نه کرسی آسمان
نهی زیر پای قزل ارسلان
مگو پای عزت بر افلاک نه
بگو روی اخلاص بر خاک نه

بوستان، ص ۳
۵. بهین رهاورد تعامل چنین اندیشه‌ی است که امرای جامعه را به واقع بینی سوق

می دهد و با اذعان به این که «درشتی و نرمی به هم دربه است» (گلستان، ص ۲۸۹) باز هم توصیه‌ی مؤکد است که اگر صلح خواهد عدو، سرمیچ (بوستان، ص ۶۵) لیکن این مایه خوش بینی سعدی مانع بر واقع بینی اش نیست. چه بسا در عصر تراحم و تضارب آرا، گاه خصم ستیزه گر فرصت شماری می کند تا از دریچه‌ی هجمه‌ی فرهنگی رو نماید: زیرا دشمن چون از هر حیلتی فروماند سلسله‌ی دوستی بجنباند، آن گاه به دوستی کارهایی کند که هیچ دشمن نتواند. (گلستان، ص ۲۹۰)

۶. واضح است واکنش مثبت در تقابل چنین معضلی درست نیاید الا به پاسداشت اهل رزم و نکوداشت اهل قلم: دو تن پرور، ای شاه کشورگشا
یکی اهل رزم و دوم اهل رای
ز نام آوران گوی دولت برند
که دانا و شمشیرزن پرورند

بوستان، ص ۶۸
۷. رویکرد سعدی در تبیین جامعه‌ی مستقل و مرفه و به کار افتادن ماشین عدالت، به تأمل سزاوار وی در باب احسان و فضیلت و مردم داری مربوط می شود. چه «احسان» در نگاه او با کسب فضایل باطنی و «شاد کردن درون فروماندگان» صورت می بندد. از همین منظر: دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

گلستان، ص ۵۳
مع هذا دست طلب، پیش کسان دراز کردن را نمی پسندد و از قناعت توانگری می طلبد (ص ۱۴۷، گلستان) و بینوایی را به از مذلت خواستن می داند (گلستان، ص ۱۵۵) و تلاش برای معاش را شرط عقل می پندارد، هر چند رزق رسیده را بی گمان می داند (گلستان، ص ۱۷۳). سعدی در تکمله‌ی حُسن مدارا با خلق، اذعان می کند سخاوت از شجاعت برترست و او را که



سخاوت است به شجاعت حاجتمند
نمی‌داند (گلستان، ص ۱۴۲). فی الواقع
بسط ستایش سخاوت مالی به آزاداندیشی
علمی سعدی منجر می‌شود.

سعدی در هیئت تئوریسین مدرن،
مروج علمی است که راه‌های بحث و
فحص را گشوده می‌دارد و پایداری علم را
منوط به آن می‌داند و می‌گوید سه چیز پایدار
نماند: مال بی تجارت، علم بی بحث و
ملک بی سیاست (گلستان، ص ۲۸۶).
وی علم مفید را از بهر دین پروردن می‌داند
نه از بهر دنیا خوردن (ص ۲۸۶، گلستان)
و عالم ناپرهیزگار را کور مشعله‌دار
می‌خواند (گلستان، ص ۲۸۲) زیرا وی را
شهووت و حرص و کین و حسد چون خون
در رگان و جان در جسدند. (بوستان،
ص ۱۸۸)

۸. در فرآیند آموزه‌های متعهدانه، بستر
آسبب‌شناسی فردی و اجتماعی مهیا
می‌شود و در مبحث مبسوط تربیت و توجه
به دانش و بخشش، تواضع و رضا و قناعت
و نکوهش جاه‌طلبی است که جزء لایتغیر
اندیشمندان آرمان‌گرای ما مترادف با
انسان‌دوستی اسلامی می‌شود؛ از همین
منظر نقطه‌ی عطف بازتاب تفکر
روان‌شناختانه‌ی سعدی در باب تربیت، که
مبتنی بر عقل و واقع‌بینی کارآمد است، با
نظریات روان‌شناسان جهان‌پهلوی می‌زند.
وی از یک سو به تأثیر ژن موروث نظر دارد
و معتقد است:

چون بود اصل گوهری قابل
تربیت را در او اثر باشد

(گلستان، ص ۲۴۹)

و از دیگر سو، رهیافت بهینه‌ی تربیت
را منوط به آغازین سال‌های حیات می‌داند:
هر که در خردی اش ادب نکنند، در بزرگی
فلاح از وی برخیزد. (گلستان، ص ۲۵۱)

اما اعتقاد به کمال هم‌نشین در همیشه
باز تکامل آدمی است، که در گستره‌ی بسیط

اندیشمندان، خردگرایی سعدی را اثبات
می‌کند.

۹. حضور سعدی در زندگی قرن
بیستم وقتی ملموس‌تر است که بدانیم
سعدی به‌رغم «آرکادیا»ی ایده‌الیست‌ها به
زندگی از دریچه‌ی تأمل و درنگ
رنالیست‌ها می‌نگرد و مرزهای
درهم‌تنیده‌ی عشق و هوس را تبیین می‌کند
و با ارائه‌ی تصویر هوس‌های لجام‌گسیخته
از یک سو شاهدبازی را می‌نکوهد:
خرابت کند شاهد خانه کن
برو خانه آباد گردان به زن

بوستان، ص ۲۰۸

و از دیگر سو به نفی عشق‌بازاری
می‌پردازد:

معشوق هزار دوست را دل ندهی
و رمی دهی آن دل به جدایی نهی

گلستان، ص ۲۸۷

و در آشفته‌بازار دنیای هر روزه، با طرد
رهبانیت، رویکردی به ساختار خانوادگی
امن دارد و برکت عشق بالغ را در دلدادگی
به «زن خوب فرمانبر پارسا» می‌داند تا آن‌که
به مدد یاری دل و جان یکرنگش مرد
درویش پارسا شود (بوستان، ص ۲۰۴) و
غایت آرامش دست‌یافتنی گردد.

شیوه‌ی تفکر او، در توبه و بازگشت به
خویشتن به زینت ایمان و دل‌اندر صمد
بستن (بوستان، ص ۲۶۲) آراسته
می‌گردد. فی الواقع ارزش اخلاقی سعدی
در آن است که گرچه بر اصلاح فرد پای
می‌فشارد اما به جای آن که تفرد و تک‌روی
خطرناکی را توصیه کند آدمی را در جمع
هم‌نوعان موردنظر قرار می‌دهد. اجتماع در
چشم سعدی مانند موجودی در حال شدن
است. به این سبب سعدی نسبت به روزگار
خود پیشرفته‌تر می‌نماید وی با نفی
خمودگی و واپس‌گرایی روح حرکت و
پویایی را به جامعه تزریق می‌کند. به جرئت
می‌توان گفت فرآیند اندیشه‌ی فعال و

جهانی سعدی فراخوان او به این مضمون
است که: اگر رفتی بردی و اگر خفتی
مردی، در عمل کوش هر چه خواهی
پوش. (گلستان)

بمی‌نوشت

1. Literary Terms and Griticis, John peck
and Martin Coyle, Macmila, Arcadia is the
idealised Country Celebrated in Classic
Pastrolpoem.

آرکادیا شهری ایده‌الیستی است که در شعر چوپانی
تحسین می‌شود و مردم در آن جا به خوشی و خرمی
زندگی می‌کنند.

منابع و مأخذ

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی؛ چهار سخن‌گوی
وجدان ایرانی؛ قطره، چ اول، ۱۳۸۱
۲. الهی‌قمشه‌ای، حسین؛ سیصد و شصت و پنج
روز با سعدی؛ انتشارات سخن، چ اول، ۱۳۸۱
۳. حدیدی، جواد؛ از سعدی تا آراگون (تأثیر ادبیات
فرانسه در ادبیات فرانسه)، مرکز نشر دانشگاهی
تهران، چ اول، ۱۳۷۳
۴. حلبی، اصغر، تاریخ تمدن در اسلام، انتشارات
اساطیر، چ دوم
۵. رادمنش، عزت‌الله؛ قرآن، جامعه‌شناسی،
اتوپیا، قرآن و عقاید اجتماعی؛ تهران، انتشارات
امیرکبیر
۶. ساروخانی، باقر، دایرة‌المعارف علوم اجتماعی،
چ اول، پاییز ۱۳۷۰، مؤسسه‌ی کیهان
۷. سعدی، مصلح‌الدین، بوستان سعدی، به
تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات بهزاد، چ
اول، ۱۳۸۱
۸. _____، تصحیح و توضیح حسن انوری، نشر
قطره، تهران، ۱۳۷۷، چ اول
۹. فارابی، ابونصر؛ اندیشه‌های اهل مدینه‌ی
فاضله، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی،
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، تابستان ۱۳۷۹، چ اول
۱۰. کمیسیون ملی یونسکو؛ ذکر جمیل سعدی؛
مجموعه مقالات، اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات
ارشاد اسلامی، چ اول، اسفند ۱۳۶۴
۱۱. ماسه، هانری؛ تحقیق درباره‌ی سعدی؛
ترجمه‌ی غلامحسین یوسفی و محمدحسن
اردبیلی، چ خواجه، تهران، چ اول
۱۲. مانهایم، کارل، ایدئولوژی و اتوپیا، مقدمه‌ای
بر جامعه‌شناختی شناخت، ترجمه‌ی فریبرز
مجیدی، چ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۰

